یادداشت

وحید حاجی‌پور

آقای روحانی سال ۹۲ حرف دیگری می‌زدید!

به‌طور کل دو دیدگاه اصلی درباره فعالیت‌های عمرانی - صنعتی سپاه وجود داد؛ برخی این فعالیت‌ها را انحصارطلبانه و مبتنی بر رانتی می‌دانند که نشئت گرفته از قدرت این نهاد است و در مقابل، برخی دیگر معتقدند این سازمان نظامی در چارچوب قوانین و نیازهای کشور به اجرای پروژه‌های زیرساختی و عمرانی مشغول است.

در این میان داستان دولت یازدهم جالب است. این دولت هر دو دیدگاه را داراست و در پاره‌ای از مواقع محور دیدگاه نخست را در دست می‌گیرد و در برخی اوقات به مدح عملکرد سپاه در پروژه‌ها می‌پردازد. بر خلاف آنچه گفته می‌شود، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا به عنوان بازوی عمرانی - صنعتی سپاه پاسداران رقیب بخش خصوصی است، اما رئیس‌جمهور کشورمان در سال ۹۲ با رد این موضوع، چنین گفت: «ما در بیابان بزرگ می‌خواهیم در برابر دشمن بایستیم چون کوچه تنگ جای ایستادگی نیست، پس نگذارید ما را به کوچه تنگ ببرند و بگذارید در میدان باز مقاومت کنیم. سپاه با توجه به توان بسیار عظیمی که در حوزه نیروی انسانی و بخش اقتصادی دارد باید به دولت کمک کند. می‌خواهند سپاه را رقیب مردم قرار دهند، اما سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی نیست و پیمانکاری مثل پیمانکاران معمولی نیست و نبوده است. سپاه امروز باید پروژه‌های مهمی که بخش خصوصی توان آن را ندارد، برعهده بگیرد. سپاه باید آستین را بالا بزند و بخشی از بار دولت را بر دوش بگیرد که البته بار نظام و مردم است و دولت هم خادم مردم است.»

این اظهارات رئیس‌جمهور به‌خوبی نشان می‌دهد دیدگاه وی در باره حضور سپاه در اقتصاد کشور چه بوده ولی امروز با استفاده از عباراتی هراس‌آور مدلی را دنبال می‌کند که در انتخابات سال ۹۶ به کار گرفته شد. روحانی سال ۹۲ از سپاه خواست تا چند پروژه ملی و بزرگ را بر عهده بگیرد و بر همین اساس، اسحاق جهانگیری معاون اول وی به صراحت اعلام کرد که سپاه در چارچوب تعیین شده در دولت، به فعالیت مشغول است. او اشاره کرد که در برخی پروژه‌ها، قرارگاه سازندگی خلع ید شده است، در برخی طرح‌ها پروژه‌ای به این نهاد داده نشده است و در تعدادی از پروژه‌ها عملکرد خوبی از خود به جای گذاشته است. با این وجود، مواضع سینوسی دولتمردان درباره جنبه سازندگی و صنعتی سپاه جز سیاه کردن فضای کشور، خروجی دیگری برای کشور ندارد. روزی زبان به مدح یک نهاد انقلابی می‌گشاییم و روزی دیگر با بهره‌گیری از عبارات خشن، این نهاد انقلابی را روبه‌روی مردم قرار می‌دهیم. از این نهاد چهره‌ای ساخته می‌شود که با غصب پروژه‌های بزرگ و پرسود، در رشد و توسعه شرکت‌های خصوصی مانع‌تراشی می‌کند و مردم در چشمش هیچ اهمیتی ندارد.

اگر چنین دیدگاهی در دولت نهادینه شده است دلیل حمایت معاون اول از فعالیت‌های سپاه چیست؟ چرا آقای روحانی در سال ۹۲ از سپاه طلب کمک کرده و آن را رقیب مردم و بخش خصوصی نمی‌دانست و امروز به شکلی دیگر فضاسازی می‌کند؟ آقای رئیس‌جمهور به صراحت در سال ۹۲ گفتند که سپاه پروژه‌هایی را انجام می‌دهد که بخش خصوصی توان اجرای آن را ندارد ولی امروز سخنانی را بیان می‌کنند که تعجب برانگیز است.

بیشتر ظرفیت سپاه در حوزه زیرساختی و عمرانی به‌کار گرفته شده است و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا برای تسریع در سازندگی توسعه پیدا کرده است و امروز هزاران کیلومتر جاده و بزرگراه، دهها سد، پالایشگاه، چند فاز پارس جنوبی را به پایان رسانده و بخش اعظمی از پول خود را از دولت نگرفته است.

کدام بخش خصوصی را سراغ داریم که با بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان طلب از دولت، همچنان به فعالیت مشغول است و پروژه‌هایی را اجرا می‌کند که به معنای واقعی کلمه از توان بخش خصوصی خارج است. به عنوان نمونه احداث خط لوله انتقال گاز از عسلویه به سیستان و بلوچستان یکی از دستورات مهم مقام معظم رهبری بود تا گاز به این استان محروم انتقال یابد. آگاهان در شرکت ملی گاز ایران حتماً تأیید می‌کنند پیمانکاران خصوصی از اجرای این پروژه به دلیل مسائل امنیتی و تروریستی سر باز زدند و این قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا بود که این پروژه هزار کیلومتری را اجرایی کرد. همچنین رساندن گاز از ایرانشهر به مرز پاکستان و چابهار نیز توسط سپاه در حال اجرا بود که منابع مالی آن از سوی خود قرارگاه تأمین می‌شد، ولی دولت یازدهم بدون سر و صدا این قراراگاه را کنار گذاشت و به شرکت کیسون - نزدیک به دولت - واگذار کرد.

اما کیسون در اجرای پروژه ناکام ماند، ولی آیا کسی با «تفنگ» به جان کسی افتاد که چرا این پروژه از سپاه گرفته شد با وجود آنکه صاحب قرارداد بود؟ یا در پروژه ان جی ال خارک که دولت یازدهم آن را کامل متوقف کرد و خبری از تسویه‌حساب با قرارگاه نشد، اعتراضی صورت گرفت و صدایی بلند شد؟ یا در حذف آرام قرارگاه سازندگی از حضور در توسعه میدان آزادگان تیری در شد؟!

وزیر نفت همین دولت چندی پیش به تمجید از عملکرد سپاه در بخش نفت پرداخت و عنوان کرد: «خیلی‌ها سعی کردند رابطه سپاه و وزارت نفت را خراب کنند که این خواسته محقق نشد و این دو نهاد به سطح بالایی از تعامل دست پیدا کرده‌اند.» با این وجود رئیس‌جمهور معتقد است سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی است که اگر اینگونه بود و می‌توانست با تفنگ و رسانه کار خود را پیش ببرد، نه از پروژه‌ای خلع‌ید می‌شد و نه کسی می‌توانست انتقادی به آن وارد کند. اگر تفنگ و رسانه برای اهداف سپاه به کار گرفته می‌شد تا به امروز طلب چند ده هزار میلیارد تومانی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا نقد شده بود. اگر سپاه چنین ابزاری داشت می‌توانست با قلدری هر چه تمام قسط مخابرات را به حساب خزانه واریز نکند. آیا اینطور شد؟

به گفته شخص جهانگیری، صاحبان مخابرات تز رئیس‌جمهور ۱۵ روز مهلت گرفتند تا قسط عقب‌مانده خود را واریز کنند که اگر واریز نمی‌کردند، مخابرات از آنها پس گرفته می‌شد. آیا همین موضوع بیانگر این واقعیت نیست که رابطه اقتصادی سپاه و دولت منطبق بر قواعد و قوانین است؟

می‌گویند سپاه در پارس جنوبی پروژه‌ها را بالاتر از سقف قرارداد - از نظر مالی - اجرا کرده است در حالی که گفته نمی‌شود مگر شرکت‌های دیگر نفتی وابسته به وزارت نفت مانند اویک، پتروپارس، اویک و... اینگونه نبودند؟ کسانی که روی پارس جنوبی و پروژه‌های آن احاطه دارند، حتماً تأیید می‌کنند که همه شرکت‌های پیمانکار درخواست افزایش سقف پروژه را دادند و بر همین اساس، بیشتر از سقف قرارداد دریافت کردند ولی چرا فقط روی یک پیمانکار غیرنفتی تمرکز می‌شود؟ البته که پاسخ را همه ما می‌دانیم.

الغرض، این مسائل بدان معنی نیست که عملکرد عمرانی سپاه پاسداران بی‌عیب و نقص است، ولی قطعاً فراتر از عملکرد شرکت‌های خصوصی است که خود برای همکاری با این نهاد، وارد مذاکره و قرارداد می‌شوند. مصادیق بسیار است که از آن عبور می‌کنیم، اما باید پذیرفت مشکل اصلی در حاشیه‌های به‌وجود آمده طی روزهای اخیر، ریشه در مسائل دیگری دارد که در نهایت انصاف را به باد سپرده است و طلب حریف می‌کند. اگر ورود نهادهای نظامی در عرصه اقتصاد و سازندگی در زمان صلح، خلاف قانون اساسی است و برگرفته از قدرت تفنگ است پس به رئیس‌جمهور محترم متذکر می‌شویم، بهتر است این تخلف را از زیر مجموعه خود آغاز کند که امور اقتصادی‌اش در حوزه پتروشیمی و سودهای کلان و جذاب، فعالیت‌هایش را انتفاعی کرده است و موجب شده همه چیز را در سود ببیند تا خدمتگزاری.

گزارش یک

مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولت چه موقع انجام می‌شود؟

دولت بدهی را به بهره‌برداری از دارایی‌هایش ترجیح می‌دهد!

رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در یکی از بندهای ۱۴ پروژه اولویت‌دار وزارت اقتصاد که در سال ۹۶ ابلاغ شد، مقوله مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولت اشاره کرد حال باید دید این مهم دنبال می‌شود یا دولت همچون گذشته بی‌تفاوت به هزاران انواع دارایی که در اختیار دارد، همچنان به سمت کسری بودجه و بدهکارسازی هر چه بیشتر خود روی می‌آورد.

به گزارش «جوان»، دولت با ۱۸ وزارتخانه عریض و طویل و صدها شرکت و هزاران میلیارد تومان انواع دارایی و حدود اختیارات بی‌نظیر همچون سیاستگذاری به بدترین شکل اداره می‌شود و حتی امور جاری دولت نیز باید از فروش نفت و مالیات تأمین شود، این در حالی است که اگر روش اداره دولت تغییر کند بی‌شک شاهد تحول عظیم در اقتصاد خواهیم بود. البته باید مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولت که رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده است به چه نتیجه‌ای منتج می‌شود.

اگر قرار بود دولتی را با این همه از دارایی و اختیارات اجاره دهیم باید ماهانه کلی پول هم دریافت می‌کردیم نه اینکه درآمدهای مالیاتی و نفتی را نیز به دولت پمپاژ کنیم این در حالی است که دولت با بیشترین سهم و از اقتصاد و مداخله در این حوزه به بدترین شکل موجود اداره می‌شود و باید اقتصاد بخش دولت تغییر کند تا شاهد بهره‌وری و خروج این بخش از تنبلی باشیم.

■ مولدسازی انواع دارایی دولتی

یکی از عجایب روزگار آن است که بدهی‌های ۷۰۰هزار میلیارد تومانی دولت شناسایی و اطلاع‌رسانی شود و دارایی‌های عظیم و ارزشمند دولت (۱۸ وزارتخانه عریض و طویل) که قطعاً رقم قابل توجهی است، به طور کامل شناسایی و اطلاع‌رسانی نشود، هر چه باشد هر ترازنامه‌ای دو سو دارد؛ دارایی و بدهی اما وزارت اقتصاد بدون رونمایی از دارایی‌ها فقط از بدهی‌های دولت رونمایی کرده است. اخیراً از سوی رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ۱۴ پروژه اولویت‌دار وزارت اقتصاد در سال ۹۶ ابلاغ شد که در یکی از بندهای این مصوبه به مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولت و توسعه و استقرار نظام جامع مدیریت بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت اشاره شده است.

در رابطه با بند اول باید گفت که به گفته خزانه‌داری کل کشور دارایی‌های دولت به‌طور کامل مشخص نیست که این امر یک فاجعه به شمار می‌رود، زیرا مشخص نیست دارایی‌های عظیم دولت چقدر است و هزینه حفظ و نگهداری این دارایی‌ها چقدر است و اصلاً چه بهره‌برداری‌ای از این دارایی‌ها می‌شود و نرخ بازدهی دارایی‌های دولت ایران چقدر است و چرا دولت از محل دارایی‌هایی که استفاده‌ای از آنها نمی‌کند مانند زمین و مستحدثات و انبار درآمدزایی نمی‌کند.

دولت تنها از حیث وزارتخانه ۱۸ وزارتخانه با عنوان‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت دادگستری، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ورزش و جوانان دارد که هر یک از این وزارتخانه‌ها برای خود بخش‌های متفاوت و شرکت‌های تابعه و وابسته دارند که باید دارایی هر یک از این وزارتخانه‌ها به تفکیک و به صورت کاملاً شفاف در یک درگاه اینترنتی قرار گیرد و یک متولی دولتی در این ارتباط مجموع رقم و ارزش دارایی‌های دولت و هر یک از وزارتخانه‌ها را اعلام عمومی کند.

هم اکنون وزارت اقتصاد با انعکاس مجموع بدهی ۷۰۰هزار میلیارد تومانی دولت و شرکت‌های دولتی جامعه ایران را ملتهب کرده است، زیرا رقم فوق بسیار هنگفت است. به نظر می‌رسد با انعکاس تک‌تک دارایی‌های دولت و ارزش این دارایی‌ها می‌توان ۸۰ میلیون ایرانی را از التهاب بدهی عظیم دولت خارج کرد.

گفتنی است یکی از دلایل رکود در اقتصاد ایران طی چهار سال گذشته افزایش حجم بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به مجموعه‌های مهم اقتصادی چون بانک مرکزی، شبکه بانکی، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، پیمانکاران بخش خصوصی، نیمه‌خصوصی و تعاونی عنوان می‌شود، این در حالی است که پرداخت نیمی از تعهد ۷۰۰هزار میلیارد تومانی دولت به این بخش‌ها می‌تواند اقتصاد ایران را به سرعت از رکود خارج کند. پیش از این دولت‌ها با فروش دارایی‌هایی چون شرکت‌ها، بدهی‌ها و کسری بودجه‌های سالانه خود را تسویه می‌کردند، اما از زمان آغاز به کار دولت یازدهم به بهانه پرداخت بدهی‌های دولت اوراق مشارکت در بازار سرمایه منتشر شد و چون این اوراق جایگزین پرداخت کسری بودجه‌های دولتی و امور جاری شد، عملاً پروژه بدهکارسازی هر چه بیشتر دولت کلید خورد زیرا دولت به‌رغم انتشار اوراق مشارکت اما حجم بدهی‌هایش هم رشد کرده‌است.

■ دولت انتفاع از دارایی‌هایش را رها کرده و به بدهکاری رو آورده است

اما منطق تأمین مالی از بازار سرمایه با نرخ سود بیش از ۲۰ درصد در حالی که این منابع صرف تسویه بدهی نمی‌شود، منطق خنده‌داری است، شاید گاهی بهتر باشد به جای تأمین مالی ۲۰ درصد، دولت نگاهی به دارایی‌های عظیمش بیندازد و با نرخ‌های بسیار پایین‌تر تأمین مالی و بدهی‌هایش را تسویه کند. به منابعی که دارای ارزش اقتصادی هستند و افراد، شرکت‌ها یا دولت‌ها مالکیت آن را در اختیار می‌گیرند و انتظار دارند آن منابع در آینده منافعی را برای آنها ایجاد کند، دارایی گفته می‌شود. دارایی یکی از اقلام ترازنامه را تشکیل می‌دهد.

دارایی‌های یک واحد ممکن است پدیده‌های عینی و مشهود باشند، مثل زمین، سرمایه انسانی، ساختمان، تأسیسات، ماشین‌آلات و تجهیزات، ابزارآلات، وسایل نقلیه و منصوبات، موجودی نقدی و موجودی کالا یا به صورت حقوق مالی و امتیازات غیرقابل رؤیت، مثل سرقفلی و مطالبات از اشخاص، از این رو دولت ثروتمند ایران بهتر است با ایجاد یک سامانه دارایی‌هایش را شناسایی کند و به اطلاع عموم ملت برساند. در نهایت با اعلام دارایی‌های دولت، جامعه بی‌شک از التهاب بدهی‌های ۷۰۰هزار میلیارد تومانی دولت و شرکت‌های دولتی خارج خواهد شد.

گزارش ۲

هادی غلامحسینی

لابی صنایع سودآور دارویی برای اخذ مجوز افزایش قیمت‌ها آغاز شد

«اوردوز» مجدد قیمت دارو!

در حالی در دنیا رقابت بر سر کاهش قیمت و افزایش کیفیت محصولات شکل گرفته است که در ایران برخی از فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند با سرمایه‌گذاری روی اخذ مجوز، افزایش قیمت محصولات تولیدی یا وارداتی یا مونتاژکاری به سود بیشتری دست پیدا کنند. در این میان در حالی که با قیمت‌های فعلی نیز صنایع دارویی بسیار سودآور هستند، به‌طور مجدد لابی‌ها برای افزایش قیمت داروهای شیمیایی و گیاهی بالا گرفته است.

به گزارش «جوان»، لابی برای اخذ مجوز محصول از جمله مواردی است که کارشناسان اقتصادی روی آن انتقاد دارند زیرا در اقتصاد ایران فعالان اقتصادی عادت کرده‌اند تا هر سال بهای محصولات خود را افزایش دهند و از این محل به سود بیشتری دست یابند و در این میان نیز آنقدر رشد قیمت‌ها تکرار شده است که در زمینه قیمت تولید داخل حرفی برای رقابت با کالای خارجی ندارد و همین صدور مجوزهای رشد قیمت از سوی دولت، صنایع را برای رشد بهره‌وری و کیفیت تنبل کرده است.

ائتلاف صاحبان صنعت دارو اعم از تولیدکننده، واردکننده و مونتاژکاران با یکدیگر و لابی با نهادهایی چون سازمان غذا و دارو جهت اخذ مجوز قیمت محصولات آنقدر تکرار شده است که صنعت دارویی به یکی از پر سودترین صنایع تبدیل شده است با این حال همین طمع برای سودآوری بیشتر عملاً بودجه خانوار ایرانی و به ویژه افرادی که بیمار هستند را تحت فشار قرار می‌دهد که جلوی صدور بی‌ضابطه مجوز قیمت داروی گیاهی و شیمیایی باید گرفته شود.

شرکت کارخانجات داروپخش تنها در دو سال اخیر ۱۶ میلیارد تومان ضایعات داشته است. این در حالی است که با صرفه‌جویی این ضایعات می‌توان در کشور چهار کارخانه کوچک خریداری کرد. بدین ترتیب آنقدر مجوزهای رشد قیمت‌ها تأمین‌کننده سود است که صنایع دارویی اصلاً به فکر رشد بهره‌وری و کیفیت نیستند.

برخی از واردکنندگان دارو نیز با تأسیس یک کارخانه کوچک مونتاژکاری، دارو را به شکل فله‌ای از خارج کشور وارد و در کارخانه با یک بسته‌بندی شکیل وارد بازار می‌کنند و به بهانه بسته‌بندی شکیل و تحت لیسانس خارجی بودن گران‌تر از داروهای رقیب داخلی به بازار عرضه می‌کنند.

از صدقه سر کاهش کیفیت غذا، قفسه‌های داروخانه‌ها به آشپز خانه‌های مردم جامعه تبدیل شده است و کاهش کیفیت غذا کارو بار صنایع دارویی را به شرط برخورداری از یک مدیریت کارآمد سکه کرده است، به‌طور نمونه در حالی که می‌توان با ۱۰۰ میلیارد تومان یک شرکت مشابه شرکت داروسازی عبیدی تأسیس کرد، اما شرکت داروسازی عبیدی به دلیل بسته‌بندی شکیل‌تر و بهانه تحت لیسانس خارجی بودن گران داروهایش را از شرکت‌های دارویی مشابه گران‌تر عرضه می‌کند، از همین رو ارزش کل سهام این شرکت در بورس به هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان می‌رسد.

بررسی سهم بهای داروهای گیاهی و شیمیایی در سبد هزینه خانوار نشان می‌دهد که دارو هم مانند غذا سبد هزینه خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و خانواده‌هایی که دارای بیمار هستند، گاهی هزینه‌های زیادی را بابت دارو متحمل می‌شوند که باید روی افزایش کیفیت دارو و کاهش قیمت دارو از محل رشد بهره‌وری و کاهش ضایعات و طرح‌های تحقیق و توسعه کار جدی انجام داد.

ارزش شرکت داروسازی اسوه نیز به ۵۰۰ میلیارد تومان می‌رسد و ارزش کل سهام شرکت کوچک سینا دارو نیز به ۸۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. البته شرکت‌های عنوان شده شرکت‌های کوچک در صنعت داروسازی هستند. با توجه به ارزش شرکت‌های داروسازی می‌توان متوجه شد که صنعت داروسازی صنعتی پر سود است و نرخ‌های کنونی هم برای این صنعت سودهای سرشاری را به همراه آورده است، البته باید عنوان داشت که اگر طی سال‌های اخیر به شکل رگباری و بی‌دلیل نرخ دارو در ایران افزایش نمی‌یافت، صنعت داروسازی تا این حد پر سود نبود و ارزش شرکت‌های کوچک داروسازی تا این میزان افزایش نمی‌یافت و نکته جالب اینجاست که متولیان این صنعت پیوسته فقط به دنبال افزایش نرخ‌ها و قیمت‌های داروهای گیاهی و شیمیایی تولید داخل و وارداتی هستند که این حد از لابی برای رشد قیمت یک خیانت به سلامت عمومی به شمار می‌رود.

از سازمان غذا و دارو انتظار می‌رود به جای اینکه پیوسته با افزایش نرخ دارو موافقت کند، کمی هم به فکر نظارت شدید و مستمر داروهای گیاهی و شیمیایی تولیدی کارخانجات داخلی باشد؛ چراکه کوچک‌ترین اهمال در انجام این وظیفه می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد و با سلامت عمومی بازی کند، به عنوان نمونه اگر نبود آن اهمال کاری در نظارت سازمان غذا و دارو به محصولات تولیدی کارخانجات داروپخش، آن فاجعه در سرم‌های تولیدی این شرکت تولیدکننده دارو وابسته به هلدینگ دارویی تأمین اجتماعی هیچ‌گاه رخ نمی‌داد. تقریباً دوسال پیش بود که سرم‌های تولیدی شرکت داروپخش باعث بروز تب و تشنج در بیمارستان‌های کشور شد.

ارائه مجوزهای افزایش قیمت طی سال‌های اخیر بزرگ‌ترین لطمه را به خود صنایع و همچنین بودجه خانوار در ایران‌زده است، زیرا صنایعی چون دارویی با اطمینان خاطر از رشد قیمت‌ها هیچ‌گاه به سمت رشد بهره‌وری، افزایش کیفیت، رقابت‌پذیری با محصولات خارجی چه در قیمت و چه در کیفیت حرکت نمی‌کنند.

ارائه فله‌ای و بدون قاعده مجوز افزایش قیمت‌ها به منزله تضییع حقوق مصرف‌کنندگان و بخشش حق خانوار و بیماران به تولیدکنندگان صنایعی چون دارویی است. از رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی که مدعی کاربلدی در اقتصاد است، انتظار می‌رود در ابتدا تغییرات بنیادین و ساختاری را در سازمان غذا و دارو رقم بزند تا به واسطه ضعف در نظارت بر صنایع غذایی و دارویی شاهد شکل‌گیری فجایعی چون سرم‌های تزریقی مشکل‌دار شرکت داروپخش نباشیم و سپس به دلیل لابی و انتفاع اشخاص، شاهد افزایش رگباری نرخ‌های دارو در کشور نباشیم که اصلاح نکردن این موارد ریسک سلامت عمومی را در ایران بیش از پیش بالا می‌برد.

در عرصه قیمتگذاری بر انواع کالاها و خدمات و همچنین نظارت بر انواع بازارها چه در بخش واقعی و چه در بخش غیر واقعی اقتصاد به شدت دچار مشکل هستیم که بخش قابل ملاحظه‌ای از فقر موجود در جامعه دلیلش همین صدور مجوزهای رشد قیمت کالا است که در واقع پمپاژ تورم به اقتصاد به شمار می‌رود.

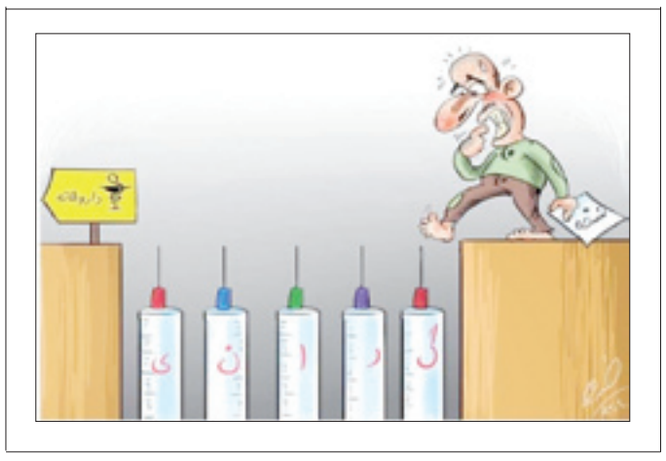

خبر

نفت کالای عمده وارداتی چین از ایران است

واردات چین از ایران در پنج ماهه نخست سال جاری میلادی با رشد ۵۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۸ میلیارد دلار رسید.

به گزارش تسنیم، جدیدترین آمار منتشر شده از سوی گمرک چین نشان می‌دهد مبادلات تجاری ایران و چین در پنج ماه نخست سال جاری میلادی با افزایش ۴۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده است. مبادلات تجاری ایران و چین که در ژانویه تا می ۲۰۱۶ بالغ بر ۱۰/۸ میلیارد دلار اعلام شده بود در ژانویه تا می‌سال جاری به ۱۵/۲ میلیارد دلار افزایش یافته است. صادرات چین به ایران و واردات از ایران در این دوره افزایش قابل توجه داشته است. صادرات چین به ایران در ژانویه تا می ۲۰۱۷ با افزایش ۲۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و به ۷/۲ میلیارد دلار رسیده است. چین در ژانویه تا می‌سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۵/۸ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده بود. واردات چین از ایران نیز افزایش زیادی داشته است. چین در ژانویه تا می ۲۰۱۶ بالغ بر ۵ میلیارد دلار کالا از ایران وارد کرده بود که این رقم با افزایش ۵۸ درصدی در ژانویه تا می‌امسال به هشت میلیارد دلار رسیده است. نفت کالای عمده وارداتی چین از ایران است.

رشد معاملات مسکن یک ششم شد

بانک مرکزی اعلام کرد رشد معاملات مسکن در شهر تهران طی سه‌ماهه نخست امسال نسبت به رشد معاملات مسکن در سه‌ماهه نخست سال گذشته یک ششم شده است.

به گزارش تسنیم، جدیدترین آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی نشان می‌دهد، معاملات مسکن شهر تهران در سه ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل یک درصد رشد داشته است.

در ماه‌های فروردین تا خرداد سال گذشته ۳۶ هزار و ۷۵۵ معامله مسکن انجام شده بود که این رقم در مدت مشابه امسال به ۳۷ هزار و ۱۲۰ معامله افزایش یافته است. افزایش یک درصدی معاملات مسکن در سه ماهه نخست امسال در حالی است که معاملات مسکن در سه‌ماهه سال ۹۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن رشد ۶/۲ درصدی را تجربه کرده بود. بر این اساس رشد معاملات مسکن در سه ماهه نخست امسال نسبت به رشد ۶/۲ درصدی معاملات در سه‌ماهه نخست سال ۹۵ حدوداً یک ششم شده است. متوسط قیمت هر متر مربع واحد مسکونی معامله شده در شهر تهران طی سه‌ماهه نخست امسال ۴۴ هزار و ۸۹۲ هزار ریال بوده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۴/۹ درصدی داشته است. در سه ماهه نخست سال قبل هر متر مربع واحد مسکونی در برابر ۴۲ هزار و ۷۸۳ هزار ریال معامله شده بود. در سه ماهه نخست سال ۹۵ نیز قیمت واحدهای مسکونی معامله شده در شهر تهران نسبت به مدت مشابه سال ۹۴ بالغ بر ۲/۴ درصد رشد کرده بود.

از بازارهای مرزی لوازم خانگی بخریم؟

رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی به بیان توضیحاتی درباره خرید کالا از فروشگاه‌های مرزی پرداخت و گفت: یکی از مشکلات اساسی این شیوه خرید آن است که حتی در بهترین حالت امکانی برای استفاده از خدمات پس از فروش و گارانتی وجود ندارد.

محمد طحان‌پور در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در حال حاضر در فروشگاه‌های مرزی کشور کالاهای متعددی مبادله می‌شوند که شاید بیشترین استقبال مردم در این بازارچه‌ها از کولرهای گازی و پس از آن تلویزیون‌هایی با سایزهایی بیش از ۶۰ اینچ باشد. البته در این میان کالاهای دیگری نیز وجود دارند که هر یک از آنها خریداران خاص خود را دارند. وی ادامه داد: اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آنکه هرچند ممکن است حتی برندهای مطرحی نیز در این فروشگاه‌ها به ارائه کالا بپردازند، اما باید توجه داشت که شرایط این کالاها با آنچه از طریق رسمی وارد می‌شوند، متفاوت است؛ چراکه واردکنندگان رسمی کالا پیش از ورود کالاهای برقی ملزم به آزمایش آنها از نظر کیفیت و استاندارد می‌شوند. به عنوان مثال ممکن است براساس شرایط جوی برخی لوازم در برخی نقاط کارایی مناسب را نداشته باشند و دچار مشکل شوند.

رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی همچنین عنوان کرد: اکنون گاهی شاهدیم که حتی اجناسی از طریق عراق و سایر کشورها وارد ایران می‌شوند، در حالی که شماره سریال آنها با ایران مغایر است.

طحان‌پور در ادامه در پاسخ به این سؤال که با این وجود طی سال‌های گذشته بسیاری افراد به تبلیغ در این زمینه پرداخته و کالاهای مختلفی را به این شیوه در شهرهای مختلف توزیع کرده و حتی تبلیغات مختلفی برای این شیوه فروش کالاهای برقی انجام می‌دهند، گفت: برای خرید به این شیوه اگرچه ممکن است مردم هزینه کمتری پرداخت کنند، اما باید توجه داشته باشند که اگر زمانی این کالاها به هر دلیل دچار مشکل شوند، هیچ یک از آنها گارانتی نداشته و افراد برای تعمیر آنها مجبور به استفاده از تعمیرکارانی می‌شوند که ممکن است بسیار غیرمتخصص باشند.

او ادامه داد: حتی در برخی موارد خریداران این کالاها مجبور به تعویض قطعه می‌شوند که تعمیرکاران برای داشتن سود بیشتر در موارد متعدد قطعات بی‌کیفیت را جایگزین کرده و پس از مدتی کالا دچار مشکل می‌شود. وی همچنین عنوان کرد: نکته دیگر آنکه باید توجه داشت در خیلی از موارد کالاهایی که نام مشابه برندهای معروف را دارند، عرضه می‌شوند و برهمین منوال ممکن است خریداران دچار مشکلاتی شوند؛ به عنوان مثال در حوزه کولرهای گازی اکنون برندی مطرح OGeneral در بازار وجود دارد که در موارد متعدد نمونه‌هایی با نام مشابه این برند و به اسم UGeneral به دست خریداران می‌رسد.

بانک

بانک مهر اقتصاد در فهرست بانک‌های مجاز

با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نام بانک مهر اقتصاد و مؤسسه ثامن در فهرست بانک‌های مجاز قرار گرفت.

به گزارش تسنیم، بانک مرکزی در تازه‌ترین اقدام خود نام بانک مهر اقتصاد را در فهرست بانک‌های مجاز تجاری غیردولتی قرار داد و اعلام کرد این بانک متقاضی دریافت مجوز از بانک مرکزی است.

بانک مهر اقتصاد سال‌ها در تلاش برای کسب مجوز از بانک مرکزی بود و تمامی شروط این بانک برای اخذ مجوز از جمله افزایش سرمایه را محقق کرد و تنها شرط محقق نشده واگذاری سهام در بازار سرمایه است که طبق اعلام مسئولان این بانک علت تأخیر در اجرایی شدنش شرایط چند سال اخیر بازار سرمایه است.

بر اساس این گزارش، بانک مهر اقتصاد پس از قرار گرفتن در لیست بانک‌های مجاز، اعلام کرد: این بانک با بهره‌مندی از سرویس‌های خدمات بانکی فعالیت‌های خود را با وسعت و قوت بیشتری ادامه خواهد داد و بیش از گذشته در خدمت هموطنان گرامی خواهد بود.

گفتنی است، بانک مرکزی نام مؤسسه اعتباری ثامن را نیز در فهرست بانک‌های مجاز و با عنوان متقاضی دریافت مجوز قرار داده است.